خدیجه (س) حامی و شریک رسالت

یکی از کسانی که در اوج انسانیت و خدایی بودن قرار دارد ، حضرت خدیجه(س) است. ایشان هر چند که به عنوان همسر پیامبر(ص) ام‌المومنین است: وَازواجُهُ امهاتکم (احزاب، آیه ۶)، از فضایل دیگری نیز برخوردار می‌باشد که برخی از آن فضایل برای هر انسانی قابل دسترسی است و می‌تواند الگو قرار گیرد.

یکی از خصوصیات و فضایل آن حضرت که غیر قابل دسترسی برای ماست، همسر پیامبر(ص) و مادر فاطمه (س) بودن است؛ اما ایشان پیش از اینکه این شرافت‌ها و فضایل را به دست آورد، از شخصیت الهی برخوردار بوده و از صبغه الله بودن(بقره، آیه ۱۳۸) به انسانی متاله و ربانی تبدیل شد و افتخار همسری پیامبر(ص) و مادری فاطمه(س) را یافت.

هر چند که در قرآن به صراحت از حضرت خدیجه (س) یاد نشده، ولی به کنایه در آیه ۸ سوره ضحی از ایشان سخن به میان آمده است ، چنانکه می‌فرماید: «وَ وَجَدَکَ عَائِلاً فَاَغْنَی؛ خداوند توای پیامبر را عائله‌مند و فقیر یافت، پس تو را غنی و ثروتمند ساخت. هر چند که این غنا و ثروت به اشکال گوناگونی برای پیامبر(ص) تحقق یافت، ولی چنانکه علامه مجلسی طبق روایات می‌گوید، خداوند ایشان را با مال و ثروت خدیجه بی‌نیاز و غنی ساخت؛ زیرا که این آیه شریفه به حضرت خدیجه(س) اشاره دارد.(بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۴۹)

ابن عبّاس نیز در تفسیر این آیه می‌فرماید: «خداوند پیامبر را فقیر یافت و مردم می‌گفتند پیامبر مالی ندارد؛ اما با مال خدیجه وی را غنی و بی‌نیاز گرداند.»(البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۷۳)

حضرت خدیجه انسانی متخلق به اخلاق الهی و مکارم و فضایل انسانی بود. همین برجستگی ایشان موجب شد تا شرافت همسری پیامبر(ص) و مادری فاطمه(س) را به دست آورد. بر اساس آموزه‌های قرآنی وی در جاهلیت، انسانی متقی بود و دست کم از تقوای عقلانی و فضایل آن برخوردار بود که شایستگی این را یافت که نخستین زنی باشد که به پیامبر(ص) ایمان آورد. به یک معنا آن حضرت(س) پس از حضرت امیرمومنان علی(ع) دومین ایمان آورنده به رسالت است؛ زیرا نخست امیرمومنان علی(ع)

در بیان منزلت و مقام حضرت خدیجه (س) گفته شده: «دین اسلام به وسیله دو عامل استوار شد؛ یکی شمشیر علی(ع) و دیگر مال خدیجه (س).»

در غار حراء همزمان با نزول وحی، ایمان آورد و سپس هنگامی که آنان به خانه مراجعت کردند و پیامبر(ص) رسالت خویش را عرضه داشت حضرت خدیجه(س) به ایشان ایمان آورد.

به هر حال، پاکی و طهارت روح و روان و صفات و فضایل اخلاقی ایشان موجب می‌شود تا هدایت کتاب وحی را بپذیرد(بقره، آیه ۳) و براحتی اهل یقین و رستگاری شود. (بقره، آیه ۵)

آن حضرت پس از تصدیق نبوت و رسالت پیامبر(ص) و پذیرش آن به عنوان نخستین زن مسلمان و مومن، تا آخرین لحظه در کنار رسول اکرم (ص) ماند و در همه دوران سخت دعوت و تبلیغ در مکه و طائف، مشکلات و تهدیدها و خطرات را به جان خرید و همه ثروت و سرمایه مادی و جانی خویش را در راه پیامبر(ص) ریخت و تحت فشارهای اقتصادی و شرایط سخت و دشوار تحریم و محاصره در شعب ابی طالب(ع) شهید شد و رخت از جان بر کشید.

در بیان منزلت و مقام آن حضرت گفته شده: «دین اسلام به وسیله دو عامل استوار شد؛ یکی شمشیر علی(ع) و دیگر مال خدیجه (س).» (فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۴۳۹)

پیامبر(ص) در میان زنان خویش همواره از حضرت خدیجه(س) یاد می‌کرد، به گونه‌ای که عایشه از این همه ستایش آن حضرت(ص) شاکی و دلخور می‌شد.

عایشه می‌گوید: با آنکه خدیجه را ندیده بودم، هیچیک از زنان پیغمبر چون خدیجه مورد رشک و حسادتم قرار نگرفته

حضرت خدیجه(س) انسانی متخلق به اخلاق الهی و مکارم و فضایل انسانی بود. همین برجستگی ایشان موجب شد تا شرافت همسری پیامبر(ص) و مادری فاطمه(س) را به دست آورد. بر اساس آموزه‌های قرآنی وی در جاهلیت، انسانی متقی بود و دست کم از تقوای عقلانی و فضایل آن برخوردار بود که شایستگی این را یافت که نخستین زنی باشد که به پیامبر(ص) ایمان آورد.

است. زیرا بسیار اتفاق می‌افتاد که رسول خدا از خدیجه به نیکی یاد می‌کرد و از او تعریف و تمجید می‌نمود. (صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۷۷ و ۲۱۰)

و نیز حکایت کرده است: روزی هاله، خواهر خدیجه از پیغمبر خدا اجازه خواست تا وارد شده آن حضرت را دیدار کند. رسول خدا که گوئی با شنیدن صدای هاله به یاد صدای خدیجه افتاده بود حالش به شدت دگرگون شد و بی‌اختیار گفت: آه خدایا! هاله.

من که از رفتار پیغمبر رشک و حسادتم نسبت به خدیجه سخت تحریک شده بود بلافاصله گفتم: چقدر از آن پیرزن بی‌دندان قرشی یاد می‌کنی؟! مدتهاست که او مرده و خدا بهتر از او را به تو ارزانی داشته است!

عایشه می‌گوید: پس از این اعتراض دیدم چهره رسول خدا برافروخت و آنچنان تغییر کرد که مانندش را تنها به هنگام فرود آمدن وحی بر آن حضرت دیده بودم که نگران دستورهای آسمانی است تا پیام رحمت نازل شود یا عذاب.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در این حالت فرمودند: نه! هرگز خداوند نیکوتر از او را به من عوض نداده است... (مسند احمد، ج ۶، صص ۱۵۰ و ۱۵۴ و ۱۱۷ و ۵۸؛ سنن ترمذی، ص۲۴۷، باب ما جاء فی حسن العهد؛ سنن ابن ماجه، باب الغیره من ابواب النکاح، ج ۱، ص ۳۱۵ ، صحیح بخاری، ج ۲، صص ۱۷۷ و ۴ و ۳۶ و۱۹۵؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۳، ص ۱۲۸؛ و کنزالعمال، ج ۶، ص ۲۲۴ حدیث شماره ۳۹۷۳)

در مقام منزلت حضرت خدیجه همین بس که در روایات بیان شده که او یکی از چهار زن برگزیده است(الخصال، ج ۱، ص ۲۰۶) و بهشت مشتاق اوست(بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۵۳) وآن حضرت بعد از مرگ، همدم مریم و آسیه خواهد بود(همان، ج ۴۳، ص ۲۸) که خداوند آن دو را الگوی زنان معرفی کرده است.(تحریم، آیه ۱۱)

ایشان این شرافت را داشت که نطفه آخرین دخترش، فاطمه (س) از مائده بهشتی(بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۴) باشد و در هنگام حزن و نگرانی نسبت به رسول اکرم(ص) در زمان بارداری، فرزندش فاطمه (س) از درون رحم خدیجه، با مادر سخن گوید و به او دلداری دهد (همان، ج ۴۳، ص ۲).

اظهار روزه‌خواری؛ بی‌حرمتی به ماه رمضان

مرتضی شرفی

روزه یکی از واجبات اسلامی است که در همه شرایع مطرح بوده است. در روایات بر پنج چیز در فروعات اسلامی تاکید شده که روزه پس از نماز دومین آن است؛ البته به اعتباری ارزش روزه بیشتر از نماز است؛ زیرا روزه را باید حتی صاحبان عذر از حائض و نافس و مانند آنان قضا کنند، در حالی که قضای نماز برای آنان لازم نیست. از نظر قرآن و احکام اسلامی، روزه خواری تنها در شرایطی مجاز یا واجب و حتی گرفتن آن حرام است؛ اما اظهار روزه خواری در ماه رمضان گناهی بدتر از روزه خواری است که در جامعه، عده‌ای برای قبح شکنی و هنجارشکنی مرتکب می‌شوند و باید با آنان مقابله شرعی و قانونی شود. نویسنده در مطلب حاضر دیدگاه اسلام را درباره اظهار روزه خواری تبیین کرده است.

***

روزه، عبادتی واجب و انعطاف‌پذیر

با آنکه در آیات قرآن بر روزه تاکید شده و آن را عبادتی استثنایی و برتر در کنار نماز دانسته به طوری که در همه شرایع اسلام واجب بوده و ترک آن حرام است، با این همه از جمله عبادت‌های انعطاف پذیری است تا همگان بتوانند از مواهب و برکات آن بهره مند شوند.

از نظر آموزه‌های قرآن، روزه با شرایطی خاص در روزهای معین از سال یعنی ماه مبارک رمضان واجب شده است. خداوند درباره اصل وجوب آن می‌فرماید:ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزکاری کنید.(بقره، آیه ۱۸۳)

هدف اصلی این برنامه که برای امت‌های پیشین نیز واجب بوده، دستیابی به تقوای الهی است که هدف همه عبادت‌ها نیز به شمار می‌آید. (بقره، آیه ۱۲۹)

از نظر قرآن، روزه ماه رمضان، بر فرد فرد مسلمانان واجب است. خداوند غیراز آیه ۱۸۳ سوره بقره در آیه ۱۸۳ سوره نیز می‌فرماید: فَمَن شَهِدَ مِنکُمُ الشّهرَ فَلیَصُمهُ؛ پس هر کسی از شما این ماه رمضان را درک کرد باید آن را روزه دارد.

از آنجا که خداوند تکالیف را براساس توان و استطاعت هر فردی قرار داده، با همه سختگیری در نظم عددی و زمانی، انعطافی را پذیرا شده تا کسانی که استطاعت و توان ندارند، در شرایطی از آن معاف شوند.

خداوند در این باره می‌فرماید: روزه در روزهای معدودی بر شما مقرر شده است. ولی هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد، به همان شماره تعدادی از روزهای دیگر را روزه بدارد و بر کسانی که روزه طاقت‌فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است. و هر کس به میل خود، بیشتر نیکی کند، پس آن برای او بهتر است و اگر بدانید، روزه گرفتن برای شما بهتر است.(بقره، آیه ۱۸۴)

و همچنین می‌فرماید:ماه رمضان همان ماهی است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، کتابی که مردم را راهبر و متضمّن دلایل آشکار هدایت و میزان تشخیص حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است باید به شماره آن، تعدادی از روزهای دیگر را روزه بدارد. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد؛ تا شماره مقرر را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه هدایتتان کرده است به بزرگی بستایید، باشد که شکرگزاری کنید. (بقره، آیه ۱۸۵)

در این آیات و نیز آیات دیگر برای روزه گرفتن شرایطی بیان شده که شامل: حضور در وطن و مسافر نبودن، سلامتی از امراض و بیماری‌ها، علم و دانایی نسبت به ماه رمضان، توان و قدرت بر انجام آن و مانند آنها می‌شود. البته این شرایط غیراز شرایط عمومی تکلیف از جمله بلوغ و عقل و اختیار و قدرت است.

حرمت روزه خواری

با نگاهی به این آیات و نیز آیات و روایات دیگر می‌توان دریافت که روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان بر یکایک کسانی که شرایط آن را دارا هستند، واجب بوده و روزه خواری به عنوان یک گناه حرام است.

ارزش و اهمیت روزه تا جایی است خداوند از مردمانی که به هر دلیلی نمی‌توانند روزه ماه مبارک رمضان را بگیرند خواسته تا در ماه دیگر سال آن را بگیرند.همچنین از این افراد خواسته تا کفاره روزه ماه رمضان را بدهند که براساس روایات یک مد طعام است.

حرمت روزه داری

همان طوری که روزه خواری در ماه مبارک رمضان حرام است و شخصی که دراین ماه ناتوان است یا دیگر شرایط روزه را ندارد باید آن را در ماه‌های دیگر که شرایط فراهم است بجا آورد و قضا نماید، همچنین گاه روزه داری براساس همین آیات بر شخص حرام می‌شود و شخص مجاز نیست تا روزه بگیرد.

از نظر قرآن، عسر و حرج داشتن در روزه داری ملاک عدم وجوب روزه برای شخص است. خداوند در آیه ۱۸۵ سوره بقره دلیل و حکمت برداشتن روزه را سختی و عسری بودن روزه بر مریض و مسافر دانسته است.

به سخن دیگر، مسافر و بیمار،خود در سختی و رنج هستند و دیگر نیازی است که یک تکلیف دشوار و سختی که جز از عهده صابران و خاشعان بر نمی‌آید، بر دوش آنها سنگینی کند و بار اضافی باشد. از این رو تا بهبود بیماری و بازگشت از سفر و حضور در وطن، وجوب روزه از ایشان برداشته است.

با نگاهی به آیات قرآن می‌توان حکم حرمت روزه را برای کسانی اثبات کرد. به عنوان نمونه کسی که با روزه گرفتن جانش به خطر بیفتد نه تنها روزه خواری برای او مباح وجایز است بلکه واجب و گرفتن آن حرام می‌شود. خداوند بصراحت می‌فرماید: وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى‌التَّهْلُكَة؛ و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید.(بقره، آیه ۱۹۵)

پس انسان نباید کاری کند که به دست خویش به هلاکت بیفتد. اگر کسی احتمال قوی دهد که با روزه گرفتن می‌میرد یا آسیب جدی به خود می‌زند، روزه گرفتن بر او حرام است. مثلا کسی که عمل قلب باز انجام داده حق ندارد روزه بگیرد؛ زیرا موجب هلاکت خود می‌شود و به عنوان مصداق خودکشی حرام است که کسی این گونه اعمال و رفتار عبادی داشته باشد.

حرمت تجسس از روزه خواری نهان

بسیاری از مردم در شرایطی هستند که نه تنها مجاز به روزه گرفتن نیستند، بلکه باید روزه خواری کنند. از جمله اینان می‌توان به مسافران و بیماران(بقره، آیات ۱۸۴ و ۱۸۵)، زنان حائض و نافس؛ زیرا اینها نوعی بیماری و اذیت است(بقره، آیه ۲۲۲)، مادران شیرده در حالت خاصی که به کودک ضرر می‌رسد؛ زیرا براساس حکم الهی والدین حق ضرر زدن به کودک را ندارند(بقره، آیه ۲۳۳) و مانند آنان‌اشاره کرد.

البته این‌اشخاص باید روزه خواری را غیرآشکار و نهان انجام دهند و بر دیگران است که در احوالات آنان تجسس نکنند و پرسان نشوند که آیا روزه داری یا نه؟ چرا روزه می‌خوری؟

زیرا تجسس در احوال دیگران جایز نیست، بلکه باید گفت که حرام است و شخص حق ندارد در اوضاع و احوال دیگران پرس و جو کند و تجسس نماید.(حجرات، آیه ۱۲)

روزه خواری علنی، گناهی بدتر از روزه خواری

روزه داری در ماه مبارک رمضان یک واجب دینی است و هر فرد مسلمانی با توجه به تحقق شرایط باید روزه نگه دارد. اما اگر به هر دلیلی روزه خواری برای شخص جایز یا حتی واجب شد، نمی‌تواند اظهار روزه خواری کرده و در مجامع عمومی اقدام به روزه خواری کند؛ زیرا نوعی حرمت شکنی نسبت به ماه مبارک رمضان است و حرام است.

اصولا در هر جامعه‌ای اموری به عنوان هنجارها مطرح است که باید از سوی همگان مراعات شود. حتی در کشورهای غربی نیز مراقبت و مواظبت بر هنجارها تاکید شده و هنجارشکنان مواخذه و مجازات می‌شوند. در برخی از مجامع بشری کشیدن سیگار در اماکن عمومی یک نابهنجاری تلقی می‌شود و مجازات قانونی به همراه دارد. همان‌طوری که عبور از چراغ قرمز و خط عابر پیاده بدون مراعات شرایط قانونی ، مجازات دارد، شکستن حرمت ماه مبارک رمضان و اظهار روزه خواری علنی نیز به عنوان هنجارشکنی جرم بوده و مجازات قانونی به همراه دارد.

از نظر آموزه‌های قرآن و اسلام،ارتکاب گناه یک جرم و اظهار آن به شکلی که موجب‌اشاعه ناهنجاری و گناه شود، جرمی دیگر است.

کسی که روزه خواری علنی می‌کند هر چند که مجوز شرعی داشته باشد، جواز شرعی برای اظهار آن ندارد. پس کسی که روزه خواری علنی را بدون مجوز شرعی آن انجام می‌دهد دو گناه می‌کند:

۱. گناه روزه خواری بدون مجوز؛ ۲. گناه اظهار روزه خواری.

از نظر آموزه‌های قرآن و اسلام ، ارتکاب گناه یک جرم و اظهار آن به شکلی که موجب اشاعه ناهنجاری و گناه شود، جرمی دیگر است. کسی که روزه خواری علنی می‌کند هر چند که مجوز شرعی داشته باشد، جواز شرعی برای اظهار آن ندارد. پس کسی که روزه خواری علنی را بدون مجوز شرعی آن انجام می‌دهد دو گناه می‌کند: ۱. گناه روزه خواری بدون مجوز؛ ۲. گناه اظهار روزه خواری.

در هر جامعه‌ای اموری به عنوان هنجارها مطرح است که باید از سوی همگان مراعات شود. حتی در کشورهای غربی نیز مراقبت و مواظبت بر هنجارها تاکید شده و هنجارشکنان مواخذه و مجازات می‌شوند. در برخی از مجامع بشری کشیدن سیگار در اماکن عمومی یک نابهنجاری تلقی می‌شود و مجازات قانونی به همراه دارد. همان‌طوری که عبور از چراغ قرمز و خط عابر پیاده بدون مراعات شرایط قانونی و مجازات دارد، شکستن حرمت ماه مبارک رمضان و اظهار روزه خواری علنی نیز به عنوان هنجارشکنی جرم بوده و مجازات قانونی به همراه دارد.

انواع واکنش‌ها به روزه خواری علنی

از آنجا که اظهار روزه خواری حتی برای کسانی که مجوز روزه خواری را دارند، حرام و بلکه از خود خوردن روزه، بدتراست، جامعه نسبت به چنین حرمت شکنی ها وهنجارشکنی‌ها ممکن است عکس‌العمل‌های متفاوتی نشان دهد. در اینجا به چند نوع عکس‌العمل در رابطه با هنجارشکنی روزه خواری علنی در جامعه و مجامع عمومی‌اشاره می‌شود:

بی خیالی ضد ارزشی در برابر اظهار

یک نوع از واکنش‌هایی که شخص یا جامعه نسبت به هنجارشکنان ممکن است داشته باشد، واکنش بی‌خیالی ضد ارزشی است. به این معنا که کاری به هنجارشکنان نداشته باشد و اجازه دهد که این عمل هنجارشکنی انجام گیرد. از نظر قرآن، اتخاذ چنین راهبردی در تقابل با هنجار شکنی نه تنها جایز نیست بلکه برای کسانی که خود را به بی‌خیالی می‌زنند و واکنشی را نشان نمی‌دهند، گناه شمرده می‌شود.

خداوند در آیاتی از جمله ۱۶۳تا ۱۶۶ سوره اعراف با اشاره به کنش‌ها و واکنش‌های اصحاب سبت و جامعه یهودی نسبت به هنجار شکنی، دو راهبرد را مطرح می‌کند که از سوی افراد جامعه در پیش گرفته شده بود. یکی ازاین دو راهبرد بی‌خیالی نسبت به هنجار شکنان بود.

روزه داری در ماه مبارک رمضان یک واجب دینی است و هر فرد مسلمانی با توجه به تحقق شرایط باید روزه نگه دارد. اما اگر به هر دلیلی روزه خواری برای شخص جایز یا حتی واجب شد، نمی‌تواند اظهار روزه‌خواری کرده و در مجامع عمومی اقدام به روزه خواری کند؛ زیرا نوعی حرمت شکنی نسبت به ماه مبارک رمضان است و حرام است.

در این آیات بیان شده که خداوند دو گروه از افراد جامعه را مجازات کرده و به شکل بوزینه در آورده است: ۱. گناهکاران؛ ۲. بی‌خیالان در برابر هنجارشکنان و گناهکاران. از این آیات به دست می‌آید که واکنش بی‌خیالی در برابر هنجارشکنی نه تنها جایز نیست، بلکه شخص را جزو هنجارشکنان قرار داده و همان عذاب مسخ به بوزینه بر سر ایشان نیز می‌آید. این گونه است که هنجارشکنان و بی‌خیالان مجازات می‌شوند.

از انکار قلبی تا اظهار زبانی

بر اساس همین آیات به خوبی روشن می‌شود که تنها آمران به معروف و ناهیان از منکر هستند که نجات می‌یابند. در حقیقت واکنش نسبت به هنجارشکنی و تقابل با آنان، تنها راه نجات از خشم و عذاب الهی نسبت به هنجارشکنی و حرمت شکنی به‌ویژه نسبت به شعائر الهی است. خداوند تنها آمران و ناهیان را از بحران عذاب دنیوی و اخروی نجات می‌دهد و بی‌خیالی در قالب اینکه ما مکلف به بردن مردم به بهشت نیستیم، راهکاری قرآنی تلقی نمی‌شود، بلکه اگر مجبور نیستیم که مردم را به بهشت ببریم، مجبوریم تا خودمان را از دوزخ دور نگه داریم.

به سخن دیگر، اگر تکلیف واجبی نداریم تا دیگران را به بهشت ببریم و تنها باید انذار کرد و بشارت داد و ابلاغ رسالات الهی را انجام داد، اما یک تکلیفی نسبت به خودمان داریم که خداوند در این آیه و آیاتی دیگر بیان کرده است. آن تکلیفی که نسبت به خودمان داریم آن است که خودمان را از عذاب الهی دور نگه داریم. خداوند بصراحت می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و خانواده‌تان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگهاست حفظ کنید، بر آن آتش فرشتگانی خشن و سختگیر گمارده شده‌اند. از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند انجام می‌دهند.(تحریم، آیه ۶)

در این آیه بصراحت بیان شده که بر هر شخص است تا خانواده خویش را از آتش دوزخ نگه دارد که در قالب امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌گیرد.

جالب است بدانیم که وقتی عذاب الهی می‌رسد باید از آن منطقه دور بود تا گرفتار آثار آن نشد، از همین رو حضرت یونس(ع)با دیدن نشانه‌های عذاب پیش از دستور خروج، از آن منطقه دور شد و براساس همین سنت الهی است که خداوند به حضرت لوط(ع) فرمان داد که از منطقه دور شود و حتی به پشت سر خودش هم نگاه نکند تا از عذاب الهی در امان باشد.(هود، آیه ۸۱؛ حجر، آیه ۶۵)

اصولا امر به معروف و نهی از منکر در اسلام اولا راهی برای نجات خود شخص از عذاب الهی است سپس راهی برای دور داشتن دیگران از عذاب. از این رو خداوند در سوره عصر بیان می‌کند که همگی در خسران و زیان هستند مگر آنکه چهار عمل اصلی ایمان و عمل صالح و توصیه دیگران به حق و صبر را انجام دهد. پس برای رهایی خود باید اجازه نداد دیگران گناه کنند و دست کم در قالب امر به معروف و نهی از منکر واکنش نشان داده و به تقابل با هنجارشکنی رفت. بنابراین برای نجات خودمان از دوزخ و عذاب الهی باید امر به معروف و نهی از منکر داشته باشیم هر چند وظیفه ما بردن دیگران به بهشت نباشد.

این واکنش می‌تواند از انکار قلبی شروع و به انکار زبانی و توصیه به معروف و نهی از منکر تا انکار عملی و رفتاری از سوی مومنان و جامعه انجام گیرد. در آیات سوره اعراف که درباره اصحاب سبت بود، این انکار از قلبی به زبانی شدت یافته بود و مومنان با زبان امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند.

مقابله با اظهار، تکلیف شرعی

از نظر آموزه‌های وحیانی اسلام و قرآن، مقابله با هنجارشکنی یک تکلیف شرعی بر هر مسلمانی است. خداوند در آیات قرآن به فریضه امر به معروف و نهی از منکراشاره می‌کند و خواهان اجرا و اقامه آن می‌شود.

البته انکار قلبی که کمترین حد امر به معروف و نهی از منکر است، به ما این اجازه را می‌دهد که خود از محیط آلوده و هنجارشکنی دور شویم و در محیط آلوده نمانیم. لذا ماندن در محیط هنجارشکنی جایز نیست و باید با دور شدن نشان دهیم که قلبا از این رفتار ناخشنود هستیم. این واکنش که درقالب اجتناب وگریز انجام می‌شود راهکاری مناسب در شرایطی است که یا قدرت انجام زبانی و انکار زبانی را نداریم یا دست ما کوتاه است و قدرت اعمال قانون را نداریم و نمی‌توانیم کاری برای جلوگیری از هنجارشکنی انجام دهیم.

به هر حال، تکلیف شرعی آن است که نسبت به هنجارشکنان روزه خواری علنی و اظهار کنندگان مقابله شود و این مقابله با توجه به شرایط امر به معروف و نهی از منکر یک تکلیف شرعی فراگیر برای همه مومنان است و اختصاص به برخی نهادها همچون نیروی انتظامی و مانند آن ندارد.

مقابله با اظهار، تکلیف قانونی

از نظر قرآن برخی از گناهان افزون بر اینکه گناه محسوب می‌شوند، جرم نیز به شمار می‌آیند و راهکارهای قانونی برای آن در نظر گرفته شده است. از جمله این اموری‌اشاعه گناه وترغیب به هنجارشکنی و یا اظهار گناه همانند اظهار روزه خواری است. همان طوری که جامعه یک قوانینی دارد که شکستن آن هنجارشکنی است همانند عبور از چراغ قرمز، روزه خواری علنی نیز به معنای عبور از چراغ قرمز قانون است. در این موارد قانون مجازاتی را در نظر گرفته که باید مراعات شود. پس هنجارشکنانی که با بی‌حجابی قانون شکنی می‌کنند یا کسانی که با روزه خواری علنی قانون شکنی می‌کنند طبق قوانین اسلام باید بازداشت و مجازات شوند.

بر اساس قوانین اسلامی، کسانی که هنجارشکنی می‌کنند به مجازات قانونی تعزیر می‌شوند. تعزیر برای بازدارندگی و بهداشت روانی جامعه و امنیت اجتماعی انجام می‌شود. براساس قوانین اسلامی، کسانی که هنجارشکنی می‌کنند باید متحمل مجازاتی شوند که از ۲۵ تا ۷۵ ضربه تازیانه را شامل می‌شود. بنابراین، روزه خواری علنی به عنوان یک هنجارشکنی و دهن کجی به قوانین جامعه مجازاتی را در پی دارد که همان تازیانه است. این نوع مجازات قابل خریداری یا تبدیل به مجازات زندان و حبس نیست و باید اجرا شود؛ زیرا برای تنبیه شخص خاطی و قانون شکن و عبرت دیگران انجام می‌شود.

چراغ راه

مواردی که بردباری می‌طلبد

قال الامام الصادق (ع): «الحلم سراج‌الله... الحلم یدور علی خمسة اوجه: ان یکون عزیزا فیذل اویکون صادقا فیتهم، او یدعو الی الحق فیستخف به، او ان یوذی بلاجرم، اوان یطلب بالحق فیخالفوه فیه، فاذا اتیت کلا منها حقه فقد اصبت»

امام صادق(ع) فرمود: بردباری چراغ خداست... پنج چیز است که بردباری می‌طلبد: شخص عزیز باشد و خوار شود،راستگو باشد و نسبت ناروا داده شود، به حق دعوت کند و سبکش بشمارند، بی‌گناه باشد و اذیت شود، حق‌طلبی کند و با او مخالفت کنند. اگر در هر پنج مورد به حق رفتارکنی، بردبار هستی.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۴۲۲

حکایت خوبان

برکات صبر

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: آزادمرد در همه احوال آزادمرد است. اگر گرفتاری برایش پیش آید صبر می‌کند، و اگر مصیبت‌ها بر سرش فرو ریزد ناراحت نمی‌شود، اگرچه اسیر شود و مغلوب گردد، و آسایش تبدیل به سختی شود. چنان که حضرت یوسف صدیق امین(ع) را بردگی و مغلوبیت و اسارت زیان نبخشید و او را تغییر نداد و تاریکی و ترس چاه و آنچه بر سرش آمد ضرری بر او وارد نساخت، تا اینکه خدا بر او منت گذارد و ستمگر سرکش را برده او کرد، بعد از آنکه مالک او بود، و او را رسول قرار داد و به سبب او به امتی رحم کرد. و صبر این چنین است که این همه خیر و برکت به دنبال دارد، پس شکیبا باشید و دل به شکیبایی دهید، تا اجر و پاداشش نصیبتان شود.[1]

۱- اصول کافی، باب الصبر

پرسش و پاسخ

راهکارهای تقویت صبر (٤)

پرسش:

در مواجهه با مشکلات و مصائب زندگی، چه راهکارهایی برای تقویت آستانه تحمل و صبر و بردباری انسان وجود دارد؟

پاسخ:

در سه بخش قبلی پاسخ به این سوال ضمن تاکید بر طبیعی بودن وجود ناملایمات و سختی‌ها و مشکلات در زندگی به چهار محور اساسی شامل: ۱- صبر یکی از مقامات سالکین ۲- انواع صبر در برابر مشکلات ۳- توجه به هدف غایی صبر ۴- آفات صبر و همچنین راهکارهای تقویت روحیه صبر شامل: ۱- شناخت طبیعت زندگی ۲- خودشناسی ۳- امید قطعی به وعده الهی مبنی بر گشایش سختی‌ها و ۴- ... تا یازده راهکار پرداختیم. اینک در ادامه دنباله مطلب را پی‌می‌گیریم.

۱۲- با خود شرط کنید که هیچ گاه و در هیچ شرایطی صبر خود را از دست ندهید. وقتی چنین قراری را با خود گذاشتید اگر در مساله ای صبرتان را از دست دادید، خود را جریمه کنید؛ یا در صورت امکان نذر کنید - مثلاً تصمیم بگیرید فلان مبلغ را صدقه بدهید، یا نماز شب بخوانید و یا یک روز روزه بگیرید. کارآیی این روش، بسیار بالا است و بسیاری از علمای بزرگ بدین سان تمرین عملی و خودسازی نموده‌اند.

۱۳- در صورت بروز بی صبری خود را سرزنش کنید اگر گاهی اوقات کاری که ناشی از بی صبری بود انجام دادید ، سریع خود را سرزنش و حتی در لفظ اظهار پشیمانی نمایید و وعده‌ها و قولی که با خود داشتید را در ذهن خویش حاضر سازید.

۱۴-تفریحات سالم داشته باشید از تفریحات سالم و تقویت کننده اراده؛ مانند کوهنوردی، شنا، دو ، صحرانوردی و پیاده‌روی و گردش در طبیعت و... نیز استفاده کنید.

۱۵- از اقدامات عجولانه بپرهیزید در تصمیم‌گیری‌ها، حتی‌الامکان با افراد عاقل و پخته مشورت نمایید و از اقدامات عجولانه و مطالعه نشده بپرهیزید.

۱۶- بیشتر با افراد خوش خلق و صبور معاشرت کنید.

۱۷-به‌رفتارهایی که‌باعث‌بی‌صبری‌شمامی‌شودتوجه‌نکنید به برخی رفتارها و حالاتی که از افراد سر می‌زند. و شما را به بی صبری دعوت می‌کند، توجه نکنید؛ مثلاً اگر کسی با حرف ناروا شما را بر می‌افروزد، از شنیدن و گوش سپردن به سخنان وی اجتناب کنید و حتی گوش ندهید یا محیط را ترک کنید. دیگر به گفته‌های او دقت و توجه نکرده و آنها را در ذهن خود مرور نکنید. نسبت به دیگر اعمال فیزیکی و رفتارهای پرخاشگرانه و تحریک کننده نیز همین طور واکنش نشان دهید و راه بی‌توجهی و تغافل را پیش گیرید.

۱۸- ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله» را زیاد بر زبان جاری سازید و سوره والعصر را زیاد بخوانید.

۱۹-دعای ۲۴ صحیفه سجادیه «یا من تحل به عقد المکاره» و دعای ۵۸ و ۱۷۵ آن را بخوانید

ادامه دارد

سلوک عارفانه

طمأنینه و ثبات، انسان را همانند کوهی آهنین در برابر مشکلات قرار می‌دهد

(بدان ای سالک راه خدا!) نفسی که دارای ثبات باشد، از ناملایمات روحی از حوصله بیرون نرود، و در مقابل ناگواری‌ها پابرجا بایستد، و از طمأنینه و ثبات او کاسته نگردد... طمأنینه و ثبات قدم است که انسان را در مقابل حزب شیطان نگهداری می‌کند و بر لشکرهای جهل و شیطنت غلبه می‌دهد... ثبات قدم نگذارد اخلاق و اطوار اجانب و منافقین در انسان رخنه کند و انسان را نگذارد دستخوش حوادث شود. انسان با ثبات و طمأنینه نفس، خود یک ملت واحده است که اگر سیل‌های اخلاق زشت و بی‌دینی تمام مردم را ببرد، او چون کوهی آهنین در مقابل همه‌چیز ایستادگی کند و از تنهایی وحشت نکند.[1]

۱- شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی(ره)، ص ۳۵۹

صفحه معارف روزهای: شنبه ،یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir